روزنامه همدان پیام

ویژه‌نامه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی
ضمیمه پنج‌شنبه‌های روزنامه همدان‌پیام

پیام آدینه

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: نصرت... طاقتی احسن
سردبیر: ..... یدا... طاقتی احسن

لیتوگرافی و چاپ: پیام رسانه (همدان)
نشانی: همدان، خیابان مهدیه، روبروی دبیرستان شریعتی، ساختمان پیام

۰۹۱۸۳۱۵۱۴۳۷
تلفن:۳۸۲۶۴۴۳۳ (۰۸۱)
دورنگار: ۳۸۲۷۹۰۱۳ (۰۸۱)

www.hamedanpayam.com (سایت)
info@hamedanpayam.com (ایمیل)

پنجشنبه ـ ۲۲ مردادماه ۱۳۹۴
ضمیمه شماره ۲۴۲۱

یک هفته در قاب تصویر

عکس‌ها: پوریا پاکیزه

تشییع پیکر مطهر شهدای گمنام در همدان

تشییع پیکر مطهر شهدای گمنام در همدان

سلفی خبرنگاران با استاندار

کنسرت علیرضا قربانی

سلفی خبرنگاران

دیدار جمعی از اهالی رسانه با خانواده سردار شهید حسن ترک

رونمایی از منشور اخلاقی آمدنانه و تمبر روز خبرنگار

مومیوند فرماندار جدید تویسرکان شد

پنجشنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۹۴ ● پیام تاریخ، تمدن و فرهنگ مادستان ● ضمیمه شماره ۲۴۲۱ همدان‌پیام ● ۸ صفحه ● رایگان ISNN: 2322 - 4673

پیام آدینه

پیام‌آدینه ۲۴۲۱ ● سال پنجم ● تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

جشنواره از کجا به کجا

معرفی اعضای هیأت انتخاب آثار جشنواره فیلم نوجوان همدان

پاس سربالا به استقبال لیگ می‌رود

اعتراض مالیاتی در سایه مخفی بودن درآمدها

رازهای یک ماندگاریِ همیشگی

بهار مجلس در اسفند ۹۴

بهارمجلس دراسفند ۹۴

مهدی غلامی

«دست به دست هم دهیم و مجلسی بسازیم که شایسته ملت بزرگ ایران است.» این پیام نوروزی رئیس‌جمهور کافی بود تا جناح‌های مختلف را برای رویداد سیاسی ۷ ماه آینده به تکاپو وادار کند. اگر به سوابق گذشته نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که معمولاً نخستین مجلس پس از روی کار آمدن دولت جدید هماهنگ با دولت روی کارآمده شکل گرفته است. مجلس چهارم تحت تأثیر رئیس دولت سازندگی، مجلس ششم تحت تأثیر رئیس دولت اصلاحات و مجلس هشتم تحت تاثیر رئیس دولت نهم و دهم شکل گرفت. بنابراین می‌بینیم که داغ شدن فضای انتخاباتی امسال بی‌دلیل نیست.

گرچه اکثریت افرادیکه قصد نامزدی در این انتخابات را دارند اذعان به فعالیت‌های انتخاباتی نمی‌کنند؛ اما آنچه در رسانه ها اعم از نوشتاری، تصویری و شبکه های اجتماعی مشاهده می‌شود خلاف این امر را ثابت می‌کند. همدان هم از این قاعده مستثنا نیست. امروز عده‌ای از نمایندگان استان با گشت و گذار در شهر و نصب پوستر و بنر و ملاقات‌های گوناگون با مردم؛ به‌گونه‌ای صحت این گفته را تأیید می‌کند. عده‌ای دیگر از نمایندگان با حضور پیامکی سعی در این امر دارند. عده‌ای دیگر در مجلس با هیاهو و گروکشی و با درگیر کردن خود در بازی‌های سیاسی سعی در چهره شدن دارند. البته اقلیتی نیز هستند که دنبال کسب امتیاز هستند. این افراد که در مجلس نهم تعدادشان زیاد نیست به دنبال نظارت دل‌بخواهانه و غیرسیستمی نیستند. به دنبال جنجال، گروکشی و هیاهوی منفعتی نیز نیستند.

این رفتارها در کنار عملکرد نمایندگان مجلس نهم شورای اسلامی؛ تا به امروز آنچنان رضایت مردم و نخبگان فکری و سیاسی را کسب نکرده است. مجلس که اکثریت اصولگرایان را در خود جای داده است. گرچه مردم در زمان انتخابات همواره دنبال اصلح‌ترین بوده‌اند و آنچنان به جناح و حزب توجهی نداشتند. لیکن عملکرد سست مجلس نهم در قبال دولت احمدی‌نژاد را در حافظه دارند. در آنسو شاهد رفتار افراطی نمایندگان با کابینه دولت یازدهم هستند و آن را نیز از یاد نخواهند برد. اتفاقات ناخوشایند و عملکرد ناصحیح مجلس نهم کافی بود که وقتی زبانی با واژه اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم شنیده شد، مردم بی‌درنگ سمت و سوی خود را، آنهم با اختلاف بسیار مشخص کردند.

آن شعار و آن انتخاب نه‌تنها مردم را خوشحال کرد که این نوید را به نظریه‌پردازان سیاسی داد که می‌توان در آینده‌ای نزدیک شاهد نهادینه کردن حزب در جامعه بود؛ چراکه خط و مشی افراد حاضر در آن انتخابات کاملاً برای مردم مشخص بود و اقبال به سمت و سوی مخالف آن چهره‌ها نشان از روند صعودی بینش حزبی مردم داشت. این اتفاق در حالی رخ داد که همه امکانات برای اصولگرایان هموار و فراهم بود. ولی ۸ سال تصمیم‌گیری جناح قدرت، کاری با مردم کرده بود که حتی با ائتلاف هم نتوانست نظر مردم را جلب کند.

لذا انتخابات سال ۹۲ و تجربه مجالس هشتم و نهم نشان می‌دهد که - تا امروز- تمایل و استقبال مردم از جریان مخالف اصولگرایان بیشتر است. به همین خاطر، هستند افرادی که مشی ذهنی و عملکردی اصولگرایی دارند و به دلایل بالا خود را در قالب کاندیدای مستقل معرفی می‌کنند. به احتمال قوی تا زمان ثبت نام و تبلیغات نیز این تعداد افزایش پیدا خواهد کرد.

این قطب سوم در همدان خواهان خوبی دارد. یعنی اگر دو جناح اصلی کشور را دو قطب حضور در انتخابات بدانیم، قطب سوم مستقلان هستند که بیشتر نیز در شهرهای کوچک خریدار دارند. جالب است بدانیم؛ این افراد پس از شعارهای مستقلانه خود و پس از رأی آوردن به یکی از دو جناح اصلی در مجلس گرایش پیدا می‌کنند. نمونه آن در مجلس هشتم و نهم کم نبود.

امروز با دلایلی که عنوان شد و همچنین عملکرد خوب نمایندگان دولت در استان‌ها، اقبال به جناح مخالف اکثریت مجلس نهم بسیار است. همدان هم طبق آنچه ذکر شد؛ گرچه سمت و سویی به قطب سوم دارد، اما وجود رهبری در جناح اصلاح‌طلب که بتواند به شناسایی مردم در شناخت بهتر نامزدها کمک کند، می‌تواند اکثریت نمایندگان همسوی دولت را وارد مجلس کند.

انسجام شکل گرفته در اردوگاه اصلاح طلبان و اختلاف و جبهه‌بندی‌های اصولگرایان حاکی از موفقیت بالای دوستداران را به وجد می‌آورد آنقدر زود چون همدان- آدرس‌های غلط از سوی مستقلان نماها و فیلمسازان جوان محرضش را درک کنند و گاهی به حق و گاه برای بزرگ کردن خود، او و آثارش را به نقد بکشند. تقدیر اما سخت‌گیرتر از آن بود که به فکر کوچکترها باشد و بزرگشان را برایشان حفظ کند. پس حاتمی که امروز باید همچون هم نسلانش همچنان فیلم می‌ساخت رفت و مشتی فیلم باقی گذاشت و لیلایش را.

این رفتن اما هیچگاه پایانِ حاتمی نبود. فیلم‌های وی همچنان از محبوبترین‌ها هستند و خود او هم اگر نگوییم محبوب‌ترین که یکی از چند کارگردان محبوب تاریخ سینمای ایران است.

حاتمی و دنیایش اما چه داشتند که امروز باید حسرت نبودنش را خورد و در دنیایی که هم عصرهای او هیچکدام نشانی از روزهای اوج خود را ندارند، همچنان حرف از سینمای حاتمی است.

نخست اینکه علی حاتمی، پسر دوم خانواده، در ۲۳ مردادماه سال ۱۳۲۳ ه.ش در خیابان شاهپور تهران متولد شد. مادر وی خانه‌دار بود و پدرش سمت صفحه‌آرا در یک چاپخانه را داشت. در نوجوانی شوق نمایشنامه‌نویسی پای او را به تماشاخانه‌های لاله‌زار باز کرد و در آنجا مسحور بازی هنرمندانه جعفر توکل شد و آرزو می‌کرد روزی برسد که توکل در نمایشی به کارگردانی خود او بازی کند. اما پیش از آنکه وارد دنیای حاتمی جوان شویم بهتر است بر احوالاتِ علیِ کوچک کمی تأمل کنیم.

خانواده حاتمی اگرچه از بازماندگان سلسله قاجار نبودند اما عادت‌های سنتی آن دوره در زندگی آنها نقش مهمی داشت.

در این میان مادربزرگ او مثل تمامی مادربزرگ‌های قصه‌های فولکلور ایرانی‌ها، با قصه‌گویی‌ها و انجام مناسک مذهبی نقش عمده‌ای در تربیت نوه‌اش داشت. این تربیت سنتی اساس تفکر و سلیقه هنری و در عین حال ساختار ویژه آثارش را شکل داد.

فراموش نکنیم همه آثار حاتمی بر اساس نقش‌مایه‌های سنتی ساخته شدند. از اخلاق سنتی گرفته تا معماری سنتی. این نکته نخستین خصوصیت همگی آثار وی بود. همین ویژگی اما موجب می‌شد گروهی همواره او را مرتجع بدانند و در عین حال گروه دیگر با آرامشی که از دیدن فیلمهای او دست می‌داد لذت ببرند.

دوم اینکه حاتمی پس از پایان دبیرستان وارد دانشکده هنرهای دراماتیک شد و رشته ادبیات دراماتیک خواند. اما سال آخر درس را رها کرد. با این وجود این دوره در شکل‌دهی دنیایش نقش مهمی داشت.

وی در این دوره با آثار نمایشنامه‌نویسان بزرگ جهان آشنا شد و همین آشنایی یکی از بزرگترین ویژگی‌های سینمای او را خلق کرد، قصه‌گویی.

حاتمی در تمام آثارش یک قصه‌گوی عالی بود و همین موجب می‌شد معدود ضعف‌های دیگرش کمتر به چشم بیاید. در مقایسه با دیگران هم همین ویژگی وی را متمایز می‌کرد، زیرا سینمای ایران آن زمان و حتی هنوز هم از ضعف قصه‌گویی رنج می‌برد و در این میان کسی که خوب و درست قصه تعریف می‌کرد یک گام از دیگران پیش بود.

در همان سال‌ها حاتمی به یک گروه نمایشی در تلویزیون پیوست و چند نمایشنامه نوشت. بر مبنای همین نمایشنامه‌ها چند سال بعد حسن کچل را نوشت و ساخت. همان سالی که قیصر و گاو و آرامش در حضور دیگران ساخته شدند و موج نو سینمای ایران شکل گرفت. سال ۱۳۴۸.

سوم اینکه حاتمی به طور مادرزاد سنت‌گرا بود همین امر موجب شد هیچگاه زرق و برق جشنواره‌ها او را نفریبد.

وی تا همیشه راه خود را رفت و تا همیشه تنها فیلمساز ایرانی بود که عمیقاً ایرانی فکر می‌کرد. حاتمی در تلاش برای جست وجوی نوعی میزانسن ایرانی بود که می‌توانست آن را با سنت و معماری ایرانی هماهنگ کند. در مصاحبه‌ای گفته بود که سینماگر باید به سینما بیگرید و به سینما بدهد. این به آن معنا بود که حاتمی در پی متد جدیدی از فیلمسازی قصد داشت سینمایش را نه با سینمای مسلط غرب، که با قصه‌ها، زندگی، معماری و آدم‌های ایرانی بسازد. اما این هم به آن معنا نبود که سینمای او نشان دهنده ایران بود؛ بلکه کار شگفت‌انگیزی که حاتمی کرد - چه خودآگاه یا ناخودآگاه- این بود که دنیایی ایرانی از گذشته را خلق کرد که در عین زیبایی و جذابیت لزوماً شبیه به ایرانِ واقعی در طول تاریخ نبود. جوری که شخصیت‌های او فکر می‌کردند، حرف می‌زدند و زندگی می‌کردند.به طور خاص ایرانی بود اما به طور کامل شبیه به ایران سنتی نبود. این در هم آمیختگی کار بزرگ حاتمی و دنیای فکری او بود.

چهارم اینکه قصه‌های ایرانی در طول تاریخ آنچنان در ذهن‌ها نقش داشته‌اند که نقشی عمیق از نوستالژی تا همیشه با ما ایرانی‌هاست. این ویژگی در طول تاریخ از قصه‌ها به شخصیت ایرانی‌ها رسید و این شد که حس عمیق به گذشته تا همیشه در ما وجود دارد.

حاتمی اما بیش از اینها به نوستالژی وابسته بود. این حس آنچنان غلظت داشت که فراتر از نوستالژی به افسون رسیده بود.

وی متون کهن ایرانی و غربی را خوب خوانده بود. حاتمی در تمام آثارش این افسون را همراه داشت. در شاهکار او، مادر این افسون بیش از همیشه خودنمایی می‌کرد. مادری از خانه سالمندان به خانه خود برگشته بود تا بمیرد. مادر، نماد همه خوبی‌هایی که کم‌کم از بین می‌روند، نماد سنت، یکبار دیگر و برای آخرین‌بار باید بازمی‌گشت اما این‌بار و از جبر زندگی - و البته جبر تاریخ - باید می‌مرد. این همه حس نوستالژی به مادر که نماد روزهای خوب گذشته بود در این اثر وی چنان تأثیر گذاشت و چنان ذهن ذاتاً پر افسوس همه را درگیر کرد که هنوز هم آن فیلم را یکی از بهترین‌های تاریخ سینمای ایران می‌دانند.

پنجم اینکه دیالوگ‌نویسی در سینمای ایران اگرچه با مسعود کیمیایی به چشم آمد و پر اهمیت شد، اما همزمان حاتمی هم دیالوگ‌هایی می‌نوشت که عمیقاً درست، تأثیرگذار و زیبا بودند.

وی به دلیلی نوع زندگی خصوصی‌اش و ارتباط نزدیکی که از یک سو با منابع ادبی کلاسیک ایران همچون دیوان حافظ، شاهنامه و آثار مولوی و از سوی دیگر با داستان‌های عامیانه و مثل‌ها و مثل‌های رایج در فرهنگ ایرانی داشت، دارای قریحه‌ای استثنایی و ذهنی سرشار بود.

حاتمی صاحب یکی از پربارترین واژگان در میان نویسندگان و فیلمسازان ایرانی بود و این خصوصیات را در دیالوگ‌نویسی به شکل هنرمندانه‌ای به کار می‌برد.

وی برای هر یک از شخصیت‌هایش در هر طبقه اجتماعی و تحصیلات دیالوگ‌هایی می‌نوشت که به نثرهای کلاسیک ادبی ایران - همچون آثار سعدی – شبیه بودند. برخی منتقدان این شیوه دیالوگ‌نویسی را غیر سینمایی می‌دانستند اما حالا کمتر کسی وجود دارد که در برابر سحر کلام علی حاتمی تاب توان داشته باشد.

در نهایت اینکه حاتمی در حالی که می‌توانست سال‌های دیگر فیلم بسازد در اثر سرطان درگذشت. نکته آخر در کشف راز این محبوبیت شاید همین مرگ است. هر آنکس که می‌میرد محبوبتر می‌شود و حیاتی ذاتی ایرانی نمی‌گذارد فیلمساز درگذشته بیش از حد نیاز به نقد کشیده شود. شاید اگر وی هم الان زنده بود مثل هم نسل‌هایش، از کیمیایی تا مهرجویی و بیضایی، از رونق می‌افتاد و منتقدان جوان دنیایش را از زیر تا بام نقد می‌کردند و حالا آنقدر محبوب نبود. شاید.

اعتراض مالیاتی در سایه مخفی بودن درآمدها

امیر بختیاریان

اخیرا اعتراض اصناف به افزایش مالیات در حدی است که وزیر دارایی را برای پاسخگویی به صحن مجلس کشانده است. وزیر که به پرسش نماینده سؤال‌کننده اعتراض دارد، صحیح می‌گوید که سازمان امور مالیاتی مجری قانون است و اگر قرار است مالیات کاهش پیدا کند، قانون باید تغییر کند.

مطابق قانون بودجه سال ۹۴ میزان درآمد مالیاتی نسبت به سال ۹۳ حدود ۲۲ درصد افزایش داشته است. از سوی دیگر سهم مالیات از درآمدهای بودجه برای نخستین‌بار از سهم درآمد نفت پیشی گرفته است. این افزایش در حالی به تصویب مجلس رسیده است که اقتصاد کشور در شرایط رکود بسر می‌برد و به همین دلیل افزایش میزان درآمد مالیاتی در بودجه سال جاری نمی‌تواند معقول به نظر برسد. البته فرض تصویب‌کنندگان و مجریان قانون این بوده که به جای افزایش فشار مالیاتی، پایه مالیاتی گسترش پیدا کند. به عبارت دیگر برای اجرای درست قانون لازم است با شناسایی فعالان اقتصادی تعداد بیشتری در دایره پرداخت مالیات قرار بگیرند. ولی واقعیت این است که در عمل امکان افزایش پایه مالیاتی در کوتاه مدت وجود ندارد و واحدهای مالیاتی برای آنکه از میزان مصوب که به آنان ابلاغ شده جا نمانند مجبورند فشار مالیاتی را به مالیات‌دهندگان موجود تحمیل کنند. نتیجه کار این بوده که در مواردی مالیات برخی از فعالان اقتصادی بیش از ۱۰ برابر افزایش داشته است. البته چنین افزایشی متوجه فعالانی است که فاقد دفاتر مالی شفاف هستند و بعضاً مالیات از آنها بر اساس برآورد و دلایل و قرائن ظاهری گرفته می‌شود. صرفنظر از این‌که چنین شیوه‌ای از مالیات‌ستانی نمی‌تواند منطقی باشد و در مواردی موجب می‌شود به ناحق مالیات بیش از حد از افراد اخذ شود، اما واقعیت این است که مالیات پرداختی توسط بازاریان بسیار اندک است و در موارد زیادی تناسبی با میزان درآمد آنها ندارد و علت اعتراض اصناف به خاطر عادت دیرینه آنها به پرداخت مالیات در حداقل میزان ممکن است. در حالی که اگر از اصناف، مالیات به میزان قانونی آن وصول می‌شد طیف قابل توجهی از آنان لازم بود مالیات بسیار بیشتری پرداخت کنند.

بنابراین به نظر می‌رسد بیش از آن که میزان مالیات پرداختی ناعادلانه باشد نحوه وصول آن است که موجب بالا رفتن میزان اعتراض اصناف شده است، اگر نه چه کسی است که نداند قشر حقوق بگیر عموما مالیاتی به مراتب بیش از فعالان بازار پرداخت می‌کند. مالیات قشر حقوق بگیر از جمله کارمندان دولت قبل از پرداخت حقوق کسر می‌شود و در موارد عدیده‌ای نسبت مالیات پرداختی یک حقوق بگیر به درآمد وی بسیار بیشتر از همین نسبت در مورد بازاریان است. با این حال چون میزان حقوق، مشخص است و میزان معافیت مالیات حقوق و نرخ مالیات روشن است، اعتراضی در مورد پرداخت حقوق وجود ندارد. اما به دلیل پنهان بودن میزان درآمد قشر بازاری و عادت تاریخی آنها به پرداخت بسیار محدود و اندک مالیات، در برابر هرگونه افزایش ناگهانی مالیات صرفنظر از میزان درآمد خود جبهه می‌گیرند و به دلیل ارتباط پررنگشان با گروه‌هائی از سیاست گذاران از جمله مجلسیان خیلی سریع قادرند اعتراضشان را تا حد استیضاح وزیر هم به کرسی بنشانند.

به نظر می‌رسد راه حل از یکسو با تقویت ارتباط واحدهای مالیاتی و مذاکره مؤثر آنها با تشکل‌های اصناف تسهیل شود و از سوی دیگر با فراهم آمدن شرایطی برای شفاف شدن میزان درآمد این گروه‌ها تا بپذیرند که مالیات پرداختی آنها آنچنان هم که تصور می‌کنند در قیاس با سایر پرداخت‌کنندگان مالیات بالا نیست. تا رسیدن به آن شرایط باید همچنان منتظر چنین اعتراض‌هایی باشیم.

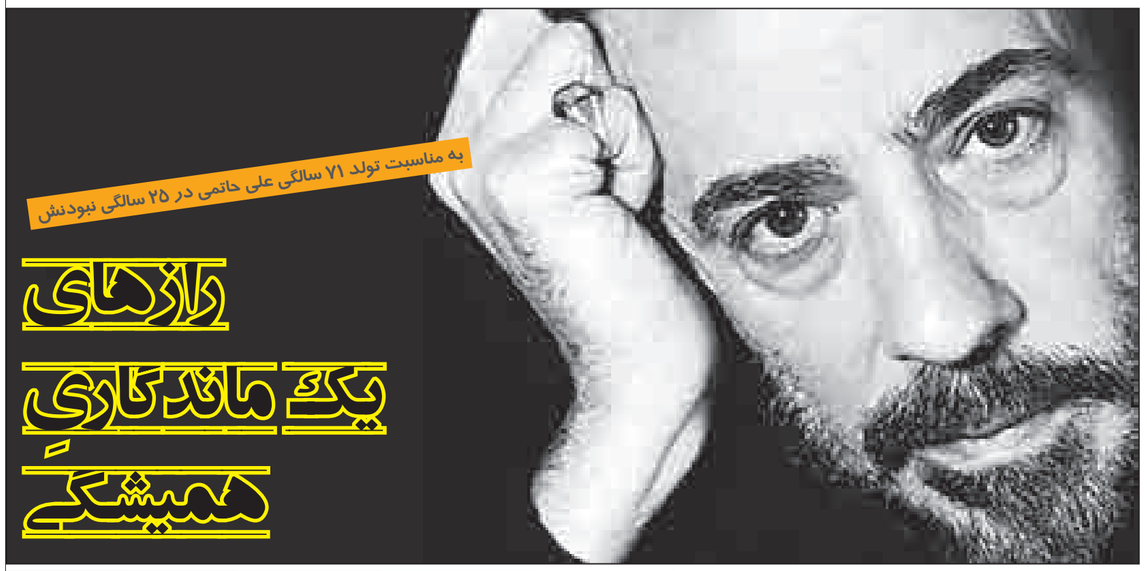

به مناسبت تولد ۷۱ سالگی علی حاتمی در ۲۵ سالگی نبودنش

رازهای یک ماندگاریِ همیشگی

فرهاد شکیبا

اگر دست تقدیر، سرنوشت یا هر چیز دیگر که اسمش را می‌گذارید، کمی با سینما و جامعه هنری ایران مهربانتر بود، امروز علی حاتمی، کارگردان خوش‌ذوق ما، ۷۱ ساله می‌شد. کسی که سال‌ها فیلم ساخت و در هر اثر، تماشاگر و دوست‌دارانش را به وجد می‌آورد آنقدر زود سینمای ایران را ترک کرد که فرصت نداد منتقدان و فیلمسازان جوان محرضش را درک کنند و گاهی به حق و گاه برای بزرگ کردن خود، او و آثارش را به نقد بکشند. تقدیر اما سخت‌گیرتر از آن بود که به فکر کوچکترها باشد و بزرگشان را برایشان حفظ کند. پس حاتمی که امروز باید همچون هم نسلانش همچنان فیلم می‌ساخت رفت و مشتی فیلم باقی گذاشت و لیلایش را.

این رفتن اما هیچگاه پایانِ حاتمی نبود. فیلم‌های وی همچنان از محبوبترین‌ها هستند و خود او هم اگر نگوییم محبوب‌ترین که یکی از چند کارگردان محبوب تاریخ سینمای ایران است.

حاتمی و دنیایش اما چه داشتند که امروز باید حسرت نبودنش را خورد و در دنیایی که هم عصرهای او هیچکدام نشانی از روزهای اوج خود را ندارند، همچنان حرف از سینمای حاتمی است.

نخست اینکه علی حاتمی، پسر دوم خانواده، در ۲۳ مردادماه سال ۱۳۲۳ ه.ش در خیابان شاهپور تهران متولد شد. مادر وی خانه‌دار بود و پدرش سمت صفحه‌آرا در یک چاپخانه را داشت. در نوجوانی شوق نمایشنامه‌نویسی پای او را به تماشاخانه‌های لاله‌زار باز کرد و در آنجا مسحور بازی هنرمندانه جعفر توکل شد و آرزو می‌کرد روزی برسد که توکل در نمایشی به کارگردانی خود او بازی کند. اما پیش از آنکه وارد دنیای حاتمی جوان شویم بهتر است بر احوالاتِ علیِ کوچک کمی تأمل کنیم.

خانواده حاتمی اگرچه از بازماندگان سلسله قاجار نبودند اما عادت‌های سنتی آن دوره در زندگی آنها نقش مهمی داشت.

در این میان مادربزرگ او مثل تمامی مادربزرگ‌های قصه‌های فولکلور ایرانی‌ها، با قصه‌گویی‌ها و انجام مناسک مذهبی نقش عمده‌ای در تربیت نوه‌اش داشت. این تربیت سنتی اساس تفکر و سلیقه هنری و در عین حال ساختار ویژه آثارش را شکل داد.

فراموش نکنیم همه آثار حاتمی بر اساس نقش‌مایه‌های سنتی ساخته شدند. از اخلاق سنتی گرفته تا معماری سنتی. این نکته نخستین خصوصیت همگی آثار وی بود. همین ویژگی اما موجب می‌شد گروهی همواره او را مرتجع بدانند و در عین حال گروه دیگر با آرامشی که از دیدن فیلمهای او دست می‌داد لذت ببرند.

دوم اینکه حاتمی پس از پایان دبیرستان وارد دانشکده هنرهای دراماتیک شد و رشته ادبیات دراماتیک خواند. اما سال آخر درس را رها کرد. با این وجود این دوره در شکل‌دهی دنیایش نقش مهمی داشت.

وی در این دوره با آثار نمایشنامه‌نویسان بزرگ جهان آشنا شد و همین آشنایی یکی از بزرگترین ویژگی‌های سینمای او را خلق کرد، قصه‌گویی.

حاتمی در تمام آثارش یک قصه‌گوی عالی بود و همین موجب می‌شد معدود ضعف‌های دیگرش کمتر به چشم بیاید. در مقایسه با دیگران هم همین ویژگی وی را متمایز می‌کرد، زیرا سینمای ایران آن زمان و حتی هنوز هم از ضعف قصه‌گویی رنج می‌برد و در این میان کسی که خوب و درست قصه تعریف می‌کرد یک گام از دیگران پیش بود.

در همان سال‌ها حاتمی به یک گروه نمایشی در تلویزیون پیوست و چند نمایشنامه نوشت. بر مبنای همین نمایشنامه‌ها چند سال بعد حسن کچل را نوشت و ساخت. همان سالی که قیصر و گاو و آرامش در حضور دیگران ساخته شدند و موج نو سینمای ایران شکل گرفت. سال ۱۳۴۸.

سوم اینکه حاتمی به طور مادرزاد سنت‌گرا بود همین امر موجب شد هیچگاه زرق و برق جشنواره‌ها او را نفریبد.

وی تا همیشه راه خود را رفت و تا همیشه تنها فیلمساز ایرانی بود که عمیقاً ایرانی فکر می‌کرد. حاتمی در تلاش برای جست وجوی نوعی میزانسن ایرانی بود که می‌توانست آن را با سنت و معماری ایرانی هماهنگ کند. در مصاحبه‌ای گفته بود که سینماگر باید به سینما بیگرید و به سینما بدهد. این به آن معنا بود که حاتمی در پی متد جدیدی از فیلمسازی قصد داشت سینمایش را نه با سینمای مسلط غرب، که با قصه‌ها، زندگی، معماری و آدم‌های ایرانی بسازد. اما این هم به آن معنا نبود که سینمای او نشان دهنده ایران بود؛ بلکه کار شگفت‌انگیزی که حاتمی کرد - چه خودآگاه یا ناخودآگاه- این بود که دنیایی ایرانی از گذشته را خلق کرد که در عین زیبایی و جذابیت لزوماً شبیه به ایرانِ واقعی در طول تاریخ نبود. جوری که شخصیت‌های او فکر می‌کردند، حرف می‌زدند و زندگی می‌کردند.به طور خاص ایرانی بود اما به طور کامل شبیه به ایران سنتی نبود. این در هم آمیختگی کار بزرگ حاتمی و دنیای فکری او بود.

چهارم اینکه قصه‌های ایرانی در طول تاریخ آنچنان در ذهن‌ها نقش داشته‌اند که نقشی عمیق از نوستالژی تا همیشه با ما ایرانی‌هاست. این ویژگی در طول تاریخ از قصه‌ها به شخصیت ایرانی‌ها رسید و این شد که حس عمیق به گذشته تا همیشه در ما وجود دارد.

حاتمی اما بیش از اینها به نوستالژی وابسته بود. این حس آنچنان غلظت داشت که فراتر از نوستالژی به افسون رسیده بود.

وی متون کهن ایرانی و غربی را خوب خوانده بود. حاتمی در تمام آثارش این افسون را همراه داشت. در شاهکار او، مادر این افسون بیش از همیشه خودنمایی می‌کرد. مادری از خانه سالمندان به خانه خود برگشته بود تا بمیرد. مادر، نماد همه خوبی‌هایی که کم‌کم از بین می‌روند، نماد سنت، یکبار دیگر و برای آخرین‌بار باید بازمی‌گشت اما این‌بار و از جبر زندگی - و البته جبر تاریخ - باید می‌مرد. این همه حس نوستالژی به مادر که نماد روزهای خوب گذشته بود در این اثر وی چنان تأثیر گذاشت و چنان ذهن ذاتاً پر افسوس همه را درگیر کرد که هنوز هم آن فیلم را یکی از بهترین‌های تاریخ سینمای ایران می‌دانند.

پنجم اینکه دیالوگ‌نویسی در سینمای ایران اگرچه با مسعود کیمیایی به چشم آمد و پر اهمیت شد، اما همزمان حاتمی هم دیالوگ‌هایی می‌نوشت که عمیقاً درست، تأثیرگذار و زیبا بودند.

وی به دلیلی نوع زندگی خصوصی‌اش و ارتباط نزدیکی که از یک سو با منابع ادبی کلاسیک ایران همچون دیوان حافظ، شاهنامه و آثار مولوی و از سوی دیگر با داستان‌های عامیانه و مثل‌ها و مثل‌های رایج در فرهنگ ایرانی داشت، دارای قریحه‌ای استثنایی و ذهنی سرشار بود.

حاتمی صاحب یکی از پربارترین واژگان در میان نویسندگان و فیلمسازان ایرانی بود و این خصوصیات را در دیالوگ‌نویسی به شکل هنرمندانه‌ای به کار می‌برد.

وی برای هر یک از شخصیت‌هایش در هر طبقه اجتماعی و تحصیلات دیالوگ‌هایی می‌نوشت که به نثرهای کلاسیک ادبی ایران - همچون آثار سعدی – شبیه بودند. برخی منتقدان این شیوه دیالوگ‌نویسی را غیر سینمایی می‌دانستند اما حالا کمتر کسی وجود دارد که در برابر سحر کلام علی حاتمی تاب توان داشته باشد.

در نهایت اینکه حاتمی در حالی که می‌توانست سال‌های دیگر فیلم بسازد در اثر سرطان درگذشت. نکته آخر در کشف راز این محبوبیت شاید همین مرگ است. هر آنکس که می‌میرد محبوبتر می‌شود و حیاتی ذاتی ایرانی نمی‌گذارد فیلمساز درگذشته بیش از حد نیاز به نقد کشیده شود. شاید اگر وی هم الان زنده بود مثل هم نسل‌هایش، از کیمیایی تا مهرجویی و بیضایی، از رونق می‌افتاد و منتقدان جوان دنیایش را از زیر تا بام نقد می‌کردند و حالا آنقدر محبوب نبود. شاید.

پاس سربالا به استقبال لیگ می‌رود

حامد صیفی

سرمربی پاس همدان این روزها به خاطرات تلخ و شیرینی فکر می‌کند که اجازه صعود آخرین قهرمان ایران در آسیا به لیگ برتر را نداد. به آن بازی تلخ برابر سپاهانگان مشهد زیر بارش برف، به آن عملکرد ضعیف بازیکنان در ایستگاه آخر لیگ و به لحظاتی که با بازیکنان کم کار سپری کرد!

مهابادی این روزها بهتر از هر کس سریال نه چندان دوست‌داشتنی لیگ پارسال را در ذهن تداعی می‌کند و می‌داند امسال شاید اولین اشتباه، آخرین آن باشد.

مرد خوش‌اخلاق نیمکت سبزپوشان بهتر از من و شما به این مسأله واقف است که اگر می‌خواهد کار ناتمام پارسال را امسال تمام کند، باید پا جای پای راه رفته نگذاشته و اشتباهات را تکرار نکند.

دوشنبه‌ای که در راه است برای پاس و سایر تیم‌های لیگ یکی، سرآغاز فصلی تازه در فوتبال خواهد بود. ماراتنی نفس‌گیر که تیم‌ها را به صف خواهد کرد، اوج هیجان در ۳۸ هفته فوتبالی که دست آخر همای سعادت را روی شانه‌های ۳ تیم نخست خواهد نشاند.

در این کارزار فوتبالی، داوود مهابادی و اطرافیانش دنبال آن هستند که از همان ابتدا میخ را محکم کوبیده تا در روزهای پایانی که تیم‌ها حتی برای یک امتیاز حاضرند دست به هر کاری بزنند، افسوس روزهای از دست رفته را نخورند.

پاس می‌آید تا پایانی دهد بر روزهای دوری خود از لیگ برتر، تیمی که قهرمانی در دوره دوم لیگ را مال خود کرد و سال ۸۶ با تصمیم ناجا راهی همدان شده می‌آید تا این‌بار بر طبل خوشبختی بکوبد.

این وسط مهابادی با پوشش نقاط ضعف تیم به دنبال اثبات شایستگی‌های خود و نماینده همدان در فصل جدید لیگ یک است.

سرمربی پاس همدان امسال به هیچ عنوان نمی‌خواهد تیمش از قافله صعود دره‌ها جا بماند و از طرفی هواداران پاس به خوبی این موضوع را فهمیده‌اند که مهابادی بیش از هر مربی، دلتنگ حضور با پاس در لیگ برتر است!

پارسال هم این خرف را چندین بار از زبان مدیرعامل پاس شنیدیم که گفت: «یکی از شروط مهابادی، سپردن هدایت پاس به وی در صورت صعود به لیگ برتر است» و قطع به یقین این رویه امسال هم حکمفرما خواهد بود.

مهابادی بر همین مبنا امسال تیم قبراق‌تری مهیای مسابقات کرده و به قول معروف پاس با خریدهایی که داشته، سربالا به استقبال لیگ می‌رود.

گلری ۶ دانگ به نام همامی

یکی از نقاط ضعف پاس در فصل گذشته دروازه این تیم بود. با خریدهایی که پاس مدل جدید داشته باید امیدوار بود که اشتباهات فصل قبل تکرار نخواهد شد.

با فسخ قرارداد سید رسول حسینی دروازه‌بانی که یک ماه قبل از فولاد یزد به پاس پیوسته بود، مسعود همامی دروازه بان فصل گذشته پرسپولیس تهران به عنوان سنگربان اصلی پاس قراردادش را منعقد کرده است.

پس از کش‌وقوس فراوان بالاخره پاسی‌ها موفق به انتخاب دروازه بان اصلی تیمشان شدند تا شایعه دروازه‌بانی ابراهیم میرزاپور از ذهن‌ها محو شود.

پیشتر گفته می‌شد ابراهیم میرزاپور سنگربان اصلی پاس است اما حالا مسعود همامی به عنوان دروازه‌بان اول و مسعود پورمحمد سنگربان فصل قبل راهیان به عنوان دروازه‌بان دوم شناخته شده‌اند.

بازیکنانی که جدا شدند، نفراتی که ماندند

مجتبی محبوب‌مجاز، مهرداد بشاگردی، محسن حمیدی، جلیل احمدی، مجتبی زارع، محمد برجلو، صمد اکبری، سروش ناصری، امیر مقداد مالکی، سید جلیل احمدی، وحید محمدی و مصطفی سلگی بازیکنانی هستند که با پایان یافتن فصل گذشته لیگ یک توسط مهابادی از تیم کنار گذاشته شدند.

از سویی وحید جلالی‌نیا، نادر هوشیار، محمدصادق کرمی، سید جمال معصومی، حسین کاظمی، محسن آذرباد، آرمین طلایی‌منش، پیمان نامور، اسحاق سبحانی، سعید خردمند و اکبر بختیاری نفراتی هستند که قراردادشان را تمدید کردند تا داوود مهابادی اسکلت اصلی تیم پارسال را حفظ کرده باشد.

شاه‌ماهی پرید!

قرار بر این بود مهابادی، سید مهدی سید صالحی را جذب کند تا به نوعی شاه ماهی نقل و انتقالات در سبد خرید پاسی‌ها قرار گیرد. اما شنیده شد مهاجم سابق سرخابی‌ها پیشنهاد ۴۵۰ میلیون تومانی ارائه داده که برآورده کردن این نیاز رویایی سیدصالحی در توان باشگاه پاس نبوده است.

البته جهانگیر عسگری مهاجم سابق تیم‌های پیکان، نفت و داماش به پاس پیوسته است تا در پیکان حمله نماینده همدان موفق ظاهر شود. بازیکنی که در کمک کردن به تیم‌های لیگ یکی برای رسیدن به لیگ برتر بد طولایی دارد!

از دیگر خریدها چه خبر؟

روحا... سلطانی مدافع با تجربه فصل قبل شهرداری تبریز و محسن ورزکار مدافع میانی فصل قبل پارسه تهران ۲ بازیکنی هستند که در خط دفاعی راه حضور در پاس را برای فصل جدید در پیش گرفته‌اند.

آرمان رمضانی بازیکن فصل گذشته ملوان بندرانزلی، نیما پرتویی مهاجم سابق شهرداری زنجان، رسول پیرزاد بازیکن فصل قبل تیم لیگ برتری گسترش فولاد تبریز، مختار جمعه‌زاده و میلاد صادقیان ۲ بازیکن فصل قبل تیم گل‌گهر سیرجان و امین پورعلی بازیکن فصل قبل راهیان کرمانشاه دیگر بازیکنان جذب شده پاس هستند.

آلومینیوم اراک، نساجی و نفت حریفان پاس

آلومینیوم اراک، نساجی مازندران و نفت آبادان حریفان قدرتمند پاس در بازار نقل و انتقالات لیگ یک بوده‌اند. تیم‌هایی که خوب خرج می‌کنند تا بهترین‌ها را جذب کنند. در این رقابت نفس‌گیر تیمی پیروز بازار نقل‌وانتقالات است که بهتر هزینه کند و دست به نقد باشد.

با تمام این تفاسیر باید دید پاس در هفته اول لیگ یک برابر شهرداری اردبیل چه خواهد کرد. دیداری که گام اول از فصل سرنوشت‌ساز پیش رو خواهد بود.

جشنواره از کجا به کجا

پس از طرح میزبان نشدن اصفهان در برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان در سال ۱۳۹۴، استان همدان که سابقه برگزاری ۴ دوره این جشنواره را داشت، مجدد آمادگی خود را برای میزبانی این جشنواره اعلام کرد.

بر این اساس رسانه‌های همدان هم تلاش و پیگیری خود را به کار گرفته و ضمن درخواست از استاندار و مدیرکل ارشاد اسلامی همدان، بازگشت مجدد این رویداد فرهنگی را خواستار شدند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان در راستای همین تقاضا، راهی تهران شد تا برای بازگشت جشنواره به همدان رایزنی کند. اما چند روز بعد ماندگاری جشنواره در اصفهان اعلام شد و اصفهان رسماً میزبانی بیست و هفتمین دوره جشنواره فیلم کودک و نوجوان را اعلام کرد.

این در حالی است که دبیر جشنواره فیلم کودک و نوجوان و بنیاد فارابی برای بازدید از امکانات و سالن‌های سینمایی همدان به این شهر آمدند. پس از رایزنی با وزیر ارشاد و مسئولان سینمایی وزارت ارشاد اسلامی، مقرر شد همدان امسال میزبان جشنواره بین‌المللی فیلم در بخش نوجوان باشد. بر همین اساس امسال همدان میزبان بخش نوجوان این جشنواره است.

گفتنی است بارها بازگشت این رویداد فرهنگی به همدان از سوی استاندار همدان در محافل گوناگون مطرح و با وزیر ارشاد نیز در میان گذاشته شده بود که گویا در حال تحقق است.

بالاخره پروانه‌ها به همدان پرکشیدند

پس از این موارد که مطرح شده است، در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۴ دبیر بیست‌ونهمین دوره جشنواره‌های بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اعلام کرد: براساس توافقی که با استانداری همدان صورت گرفته است، جشنواره بین‌المللی فیلم‌های نوجوانان در مهرماه امسال در همدان برگزار خواهد شد.

علیرضا شجاع نوری در همدان گفت: با توجه به استقبال مردم، مسئولان، هنرمندان به‌ویژه استاندار همدان و اعلام حمایت همه‌جانبه از سوی قشرهای مختلف مردمی و مسئولان تصمیم بر این شد تا جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان در دو بخش «کودک و خردسال» در اصفهان و بخش «نوجوان» در همدان برگزار شود و استان همدان میزبان بخش نوجوان خواهد بود.

وی با اشاره به لزوم تفکیک بخش‌های نوجوان و کودک جشنواره فیلم و تأکید شورای سیاست‌گذاری جشنواره بر این مهم اظهار کرد: بر این اساس جشنواره بین‌المللی فیلم‌های نوجوانان به صورت دوسالانه در همدان و جشنواره بین‌المللی کودکان و خردسالان نیز به صورت دوسالانه در اصفهان برگزار خواهد شد.

وی برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های نوجوانان و نیز المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان در همدان را بستری برای توجه بیشتر به نیازهای نوجوانان دانست و بیان داشت: از این پس پروانه زرین جشنواره‌های فیلم‌های کودکان نوجوانان در همدان و اصفهان به پرواز در خواهد آمد و "همدان شهر نوجوان" خطاب می‌شود.

وی افزود: از سوی دیگر عزم جدی مدیریت شهری اصفهان نیز ما را بر آن داشت که با استفاده از این فرصت توجه هر چه بیشتر و متمرکز به کودکان و خردسالان کشور، منطقه و جهان را در برنامه‌های جشنواره داشته باشیم.

شجاع نوری وضعیت زیرساخت‌های استان همدان را برای برگزاری جشنواره مناسب ارزیابی کرد و گفت: با جدیت که در استان همدان برای این میزبانی وجود دارد به نظرم همدان میزبان شایسته‌ای برای جشنواره بین‌المللی فیلم‌های نوجوانان خواهد بود.

وی افزود: با تقویت زیرساخت‌ها و نیز تأمین اعتبارات مورد نیاز، همدان استعداد این را دارد تا به یکی از مراکز تراز اول جشنواره‌ای نوجوان در جهان تبدیل شود.

وی با بیان اینکه تفکیک بخش‌های جشنواره باعث ایجاد شور و نشاط در بین نوجوانان ایران زمین خواهد شد، اظهار کرد: قطعاً این اتفاق باعث خواهد شد تا نوجوانان ایران با حضور پررنگ‌تر در عرصه‌های فرهنگی، الگوهای مناسبی برای نوجوانان جهان باشند. همان‌گونه که اصفهان مهد پرورش فرهنگی کودکان و خردسالان ایران خواهد بود.

شجاع نوری در پایان ضمن تبریک به مردم استان همدان برای این میزبانی، گفت: سالن‌های سینمای همدان از این پس منتظر حضور دوستداران سینما به‌ویژه نوجوانان خواهد بود.

عزم و اراده مدیریت استان بر برگزاری و حفظ جشنواره فیلم نوجوان در استان همدان است

محمدناصر نیکبخت، استاندار همدان نیز پس از آنکه با پیگیری‌های متعدد جشنواره را به همدان برگرداند اعلام کرد: عزم و اراده مدیریت استان بر برگزاری و حفظ جشنواره فیلم نوجوان در استان همدان است.

استاندار همدان گفت: برخی رسانه‌ها تصور کردند بخش کودک جشنواره فیلم کودک و نوجوان در استان دیگری برگزار می‌شود در حالی که در سال جاری فقط شاهد برگزاری جشنواره فیلم نوجوان در کشور هستیم.

وی اذعان کرد: با نظر مساعد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی امسال جشنواره فیلم فقط در بخش نوجوانان و در استان همدان برگزار می‌شود.

استاندار همدان تصریح کرد: برپایی جشنواره فیلم نوجوان برای استان همدان با پیشینه درخشان تمدنی و فرهنگی دستاوردهای متعددی به دنبال دارد.

نیکبخت یادآور شد: سعی و تلاش مدیریت استان همدان، بهره‌وری حداکثری از ظرفیت‌های اصلی و جانبی جشنواره فیلم نوجوان با هدف توسعه و پیشرفت عرصه‌های مرتبط با این حوزه است.

جشنواره فیلم کودک و نوجوان که در سال‌های نه‌چندان دور به میزبانی استان همدان برپا می شد در یک مقطع زمانی به استان اصفهان انتقال داده شد اما با پیگیری‌های مستمر استاندار و مسئولان ارشد استان مقرر شد برگزاری این جشنواره در سال جاری دوباره به استان همدان واگذار شود.

جشنواره از کجا آمد؟

نخستین دوره جشنواره، بهمن‌ماه سال ۶۱ همزمان با جشنواره فیلم فجر برگزار شد و تا ۵ دوره تهران میزبان برپایی این جشنواره بود. آبان‌ماه سال ۶۹ اصفهان میزبان این جشنواره شد که به صورت مستقل جدا از جشنواره فجر در این شهر برگزار شد که این برپایی تا ۶ دوره تداوم داشت و در حالی که دیگر نام جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان با نام «اصفهان» عجین شده بود به یکباره جشنواره به کرمان منتقل و در مهرماه ۷۵ در این شهر برگزار شد.

در سال ۷۷ جشنواره دوباره همزمان با جشنواره فیلم فجر در بهمن‌ماه برگزار شد. مهرماه سال ۷۸ برای دوره چهاردهم، اصفهان دوباره میزبان جشنواره شد که این میزبانی تا ۶ سال بعد و دوره نوزدهم ادامه پیدا کرد. آن روزها سال‌هایی بود که هنوز جشنواره کودک خانه به دوش نشده بود و نبض این فستیوال در نصف جهان همچنان می‌زد.

سال ۸۴ آخرین باری بود که جشنواره در اصفهان برگزار شد. پس از برگزاری هجدهمین دوره، اصفهانی‌ها با فستیوالی که هویتش با شهرشان عجین شده بود، خداحافظی کردند و از سال ۸۶ همدانی‌ها میزبان فیلم‌های کودک شدند. در سال‌های ۸۶ تا ۸۹ همدانی‌ها میزبان این جشنواره بودند، یکباره در سال‌های ۹۰ و ۹۱ اصفهانی‌ها میزبانی جشنواره را بار دیگر به عهده گرفتند، اما حالا باز هم با آنکه در ۲ سال گذشته فارابی با اصفهانی‌ها قراردادی ۵ ساله امضا کرد، اما این جشنواره در آستانه بیست و نهمین دوره برگزاری خود باز هم تغییر میزبان داد.

جشنواره از همدان به کجا رفت؟

۴ سال برگزاری جشنواره کودک در همدان به طور قطع به لحاظ ساخت‌وساز و تجهیز فضاهای فرهنگی تأثیرات مثبتی بر این شهر گذاشت، ولی نفس این اتفاق خارج از عرف و غلط بود. همدانی‌ها که تلاش می‌کردند با به جا آوردن حق میزبانی، جشنواره فیلم کودک را در عرصه‌های بین‌المللی به نام خودشان رقم بزنند به یکباره با بی‌مهری مواجه شده و در کمال ناباوری به نظاره پرکشیدن جشنواره نشستند.

در طول سال‌های مختلف شخصیت‌های هنری در سراسر دنیا هر بار نام این جشنواره را با نام یک شهر در ایران می‌شنیدند و همدان نتوانست نام خود را با جشنواره فیلم کودک بین‌المللی کند؛ زیرا در همه جای دنیا جشنواره‌ها با شهر برگزاری‌شان شناخته می‌شوند. مانند جشنواره‌های کن، برلین، ونیز، لوکارنو و... اما جشنواره فیلم کودک و نوجوان کشورمان همچون کودکی سرراهی سال‌های سال خانه‌ای نداشت که خاستگاه و مأمنش باشد.

هرچه بود در ۲ سال گذشته میان مسئولان استان همدان با مدیران سینمایی به هم خورد و شاید این مهم موجب شد پیش از به پایان رسیدن قرارداد ۵ ساله فارابی با استان همدان فارابی با اصفهانی‌ها قرارداد ۵ ساله‌ای دیگر را امضا کند و شرایط به گونه‌ای پیش رفت که حتی این قرارداد به مهمترین مسأله نشست خبری دبیر بیست‌وسومین جشنواره فیلم کودک تبدیل شد.

امیرشهاب رضویان در زادگاه خود داوری می‌کند

معرفی اعضای هیأت انتخاب آثار جشنواره فیلم نوجوان همدان

فرهاد شکیبا

به نظر می‌رسد پس از سال‌ها، حالا همدان در آستانه برگزاری مهمترین اتفاق سینمایی خود است. چه آنکه پس از خروج جشنواره فیلم کودک و نوجوان از همدان اگرچه جشنواره تئاتر کودک به همدان واگذار شد اما در عمل نتوانسته به اندازه رخدادی سینمایی با اهمیت و تأثیرگذار باشد.

اینک اما داستان آنقدر جدی هست که ظاهراً باید شرایط سریع‌تر از همیشه آماده شود و این را مسئولان وزارت ارشاد هم خوب تشخیص دادهاند. در همین راستا و در نخستین گام هیأت انتخاب بخش سینمای ایران جشنواره فیلم نوجوان معرفی شدند.

از سوی علیرضا شجاع‌نوری دبیر جشنواره، پوران درخشنده، امیرشهاب رضویان و التفات شکری‌آذر به عنوان اعضای هیأت انتخاب، آثار بخش سینمای ایران جشنواره را ارزیابی و انتخاب خواهند کرد. انتخاب این ۳ نفر اما از ۲ جهت قابل اهمیت است.

یکی اینکه هر ۳ نفر افراد شناخته شده‌ای و در سطح سینمای ایران دارای عملکرد بسیار خوبی هستند. از طرف دیگر هم منحصراً حضور امیرشهاب رضویان کارگردان مطرح همدانی در این گروه می‌توانند جشنواره را از انتقاداتی که هر ساله به جشنواره تئاتر کودک گرفته می‌شود برهاند.

آنجا که منتقدان همدان را تنها برگزارکننده جشنواره تئاتر می‌دانند و اعتقاد دارند همه کارها از پایتخت و با مدیران تهرانی تعیین می‌شود.

پوران درخشنده، فارغ‌التحصیل سینما با گرایش کارگردانی از مدرسه عالی تلویزیون و سینما و دارای لوح افتخار درجه یک هنری معادل دکتری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران است.

فیلمساز، تهیه‌کننده، محقق و نویسنده فعال ایران‌زمین در ۷ فروردین‌ماه سال ۱۳۳۰ در شهر کرمانشاه به دنیا آمد.

وی تحصیلات تکمیلی خود را در مدرسه عالی تلویزیون و سینما گذرانده و در سال ۱۳۵۴ در سازمان صدا وسیما آغاز به کار کرد و در همان زمان فیلم طاعون که درباره طاعون در کردستان به سال ۱۳۲۸ است را تهیه کرد. در سال۱۳۵۵ نیز درباره چهارشنبه‌سوری و نیز فیلمی درباره مراسم سنتی نواحی مختلف ایران موسیقی نواحی ایران را سال ۱۳۵۶ تولید کرد. موج، جانماز، سجاده، تحقیقی درباره زنان، اشتغال و صنایع دستی در کردستان در سال ۱۳۵۷ فیلم‌های مستند چشمه‌های آب معدنی راه هراز را به تصویر کشید و همان سال مستندهای کارشناس‌ارشد پویانمایی را از دانشکده سینما تئاتر دانشگاه هنر اخذ کرد.

وی با «سفر مردان خاکستری» در سال ۸۰ نخستین فیلم بلند خود را کارگردانی کرد و یک سال بعد با «تهران ساعت ۷ صبح» نام خود را مطرح کرد.

رضویان اگرچه متعلق به نسل دوم سینمای ایران بود و فیلمسازی را از ابتدای انقلاب آغاز کرده بود، اما نداشتن فیلم بلند در جایی که فیلم کوتاه دیده نمی‌شود، از وی استعدادی «در سایه» خلق کرده بود که می‌توانست حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد.

هم‌نسلان رضویان از حاتمی‌کیا و ملاقلی‌پور تا پستر، فرهادی، میرکریمی و تبریزی، فیلم‌های بلند خود را از دهه ۶۰ و ۷۰ آغاز کرده بودند و تعهد رضویان به فیلم کوتاه، که همچون تئاتر برای بازیگر، ریشه‌های فیلمسازان با اصالت را در خود جا می‌داد، سال‌ها وی را از ماراتن هم‌نسلانش دور کرد.

سفر مردان خاکستری، روایت ۳ پیرمرد است که سوار بر یک شورلت قدیمی راهی بیرجند شهر دوران جوانی خود می‌شوند. یکی از آنها عشقی گمشده دارد که خواهر دیگر پیرمرد است.

رضویان در «سفر مردان خاکستری» راه خود را انتخاب کرده بود. عاشقانه‌هایی تلخ با چاشنی طنز.

با «تهران ساعت ۷ صبح»، مسیر شهرت کارگردان همدانی را هموار کرد. فیلمی به غایت کافکایی و در عین حال بازیگوشانه که بوروکراسی اداری را به نقد گرفته است.

در «تهران ساعت ۷ صبح» همچنان عشق جایگاه ویژه‌ای دارد. ایده فیلم به شدت جذاب بود و منتقدان را به وجد آورد پلیس جوانی که مأمور تعویض رنگ چراغ راهنمایی‌ورانندگی است برای دیدن دختر مورد علاقه خود چراغ قرمز پیاده‌ها را بیشتر از حد معمول نگه می‌دارد. این خط با خرده‌داستان‌های دیگر روایتی جذاب می‌دهد که حالا در دنیایی کافکایی، سرخوشیِ عطار و رنج انسان مدرن هم در آن وجود دارند.

اگرچه «تهران ساعت ۷ صبح» فیلم منتقدپسندی شد، اما «مینای شهر خاموش» اوج کار رضویان بود. پس از سی و چند سال دکتر بهمن پارسا از آلمان به ایران بازمی‌گردد و به همراه یکی از دوستان قدیم پدرش به زادگاهش (بم) می‌رود. اینجا هم تم داستان جست وجوی عشق از دست رفته است و شگفتا که کارگردان چقدر زیبا روایت را سروسامان داده تا فرم، محتوا را تهدید نکند.

وی برای این فیلم در سال ۸۵ از بیست‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی شد. کارگردان همدانی سال‌های ۸۸ و ۹۰ دو فیلم بلند دیگر ساخت که از دنیای ۳ فیلم قبلی و جدا بود و به نوعی تیلور نگاه سرخوشانه خود فیلمساز این‌بار به جای فرم، در محتوای فیلم بود. «تابستان عزیز» یک تله‌فیلم بود که برنده پروانه زرین بهترین فیلمنامه، بهترین تصویربرداری، جایزه ویژه هیأت داوران و جایزه ویژه شورای شهر همدان از بیست‌وچهارمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان همدان در مهر ۸۹ شد.

«سفرزمان»هم برنده پروانه زرین بهترین جلوه‌های بصری و برنده جایزه ویژه صندوق کمک به کودکان سازمان ملل متحدیونیسف‌ازبیست‌وهفتمین‌دوره‌جشنواره‌فیلم‌کودک و نوجوان اصفهان در مردادماه ۹۲ شد. آخرین کار رضویان عنوانی مشابه نخستین کارادوارد.

وی در سال ۸۰ «سفر مردان خاکستری» را ساخت و ۱۴ سال بعد در حال ساخت «سرقت مردان خاکستری» است.

مریم مقدم

به دنبال تلاش‌های مجدانه و تصمیم وزیر فرهنگ و ارشاد بالاخره جشنواره به ۲ قسمت تقسیم شد و بخش میزبانی از جشنواره بین‌المللی نوجوان فیلم کودک و نوجوان به همدانی‌ها سپرده شد. این آخرین تصمیم وزارت فرهنگ و ارشاد و بنیاد فارابی در توافق نهایی با مسئولان ارشد استان همدان باعث شد تا هنرمندان و کودکان و مردم خوشحالی خود را از این تصمیم نشان دهند. بر این اساس جشنواره به صورت دوسالانه در همدان و اصفهان برگزار می‌شود.

علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی با اعلام این خبر که پیرو سیاست‌های شورای راهبری سیاست‌گذاری سینمای کودک و نوجوان مبنی بر تفکیک سینمای نوجوان از سینمای کودک این جشنواره بعد از این به صورت دوسالانه در مهرماه هر سال برگزار خواهد شد، برگی تازه را در عرصه سینمای کودک و نوجوان ورق زد و همدان را به عنوان میزبان جشنواره نوجوان در این رویداد بین‌المللی معرفی کرد و به این ترتیب همدان توانست به نتیجه مطلوبی در پایان پیگیری‌های خود برای میزبانی دست یابد. این خبر به آن معنا بود که بالاخره پس از تلاش مسئولان ارشد استان و رسانه‌ها، همدانی‌ها می‌توانند شاهد پرواز پروانه‌ها بر فراز آسمان پایتخت تاریخ و تمدن ایران‌زمین باشند.

این خبر در حالی روی آنتن رسانه‌ها رفت که درست ۵ سال پیش تیتر «پروانه‌ها پر» موجب دلسردی اقشار مختلف جامعه محلی و تقاضاهای پیگیرانه مردم برای بازگشت پروانه‌ها شد. حال که قرار است بخش نوجوان جشنواره تفکیک شود و پروانه‌ها بار دیگر در آسمان همدان به پرواز درآیند هنرمندان ضمن حمایت از این اقدام نکته نظراتی را دارند که برخی از آنها می‌آید.

***

روایت مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی درباره تفکیک ۲ بخش نوجوان و کودک جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان گفت: از ابتدای امسال تاکنون براساس تقویم برنامه‌های دبیرخانه جشنواره، مجموعه برنامه‌ریزی در همه بخش‌ها و براساس زمان‌بندی تعیین شده انجام شد.

علیرضا تابش با اشاره به اینکه برای نهایی شدن شهر میزبان جشنواره، ابتدای خردادماه جلسه‌ای با حضور شهردار سابق اصفهان برگزار شد، افزود: قرار بر این شده تا بعد از نیمه خردادماه نشست هماهنگی با حضور همه مسئولان ذی‌ربط برگزار و تصمیم نهایی گرفته شود.

وی اظهار کرد: پس از استیضاح شهردار اصفهان و عدم کسب رأی اعتماد وی از شورای شهر اصفهان، تمامی توافقات با شهردار وقت اصفهان معلق شد. هر چند که این اتفاق خللی در پیگیری برنامه‌های جشنواره ایجاد نکرد.

تابش با بیان اینکه با انتصاب شهردار جدید اصفهان جلسه‌ای روز جمعه گذشته با حضور دکتر ایوبی، رئیس سازمان سینمایی کشور، بنده با شهردار اصفهان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان و سایر مسئولان برگزار شد که در این جلسه اصفهان اعلام کرد علاقمند به میزبانی است اما با توجه به تأخیر پیش آمده مهرماه امسال امکان میزبانی ندارد.

عضو شورای سیاست‌گذاری و راهبری سینمای کودک و نوجوان بیان داشت: بر این اساس شورای سیاست‌گذاری و راهبری سینمای کودک و نوجوان با حضور دکتر ایوبی تشکیل جلسه داد و موضوع را بررسی کرد.

وی گفت: این اتفاقات در حالی رخ داد که مسئولان، هنرمندان و اقشار مختلف مردم استان همدان به جد پیگیر و علاقه‌مند میزبانی جشنواره فیلم کودک و نوجوان بودند.

تابش با اشاره به جلسه‌ای که با حضور استاندار همدان و دیگر مسئولان این استان برگزار شد، اظهار کرد: در این جلسه جمع‌بندی شورای سیاست‌گذاری و راهبری سینمای کودک و نوجوان را اعلام کردیم که با موافقت استاندار همدان جشنواره بین‌المللی فیلم‌های نوجوانان در مهرماه سال‌جاری در همدان برگزار خواهد شد.

تفاوت‌های چشمگیری بین کودک و نوجوان وجود دارد

بازیگر تلویزیون و تئاتر گفت: «امیدوارم که بودجه برای اجرای هر دو جشنواره فیلم کودک و نوجوان به‌طور یکسان و همزمان اختصاص پیدا کند چون برگزاری هر دو جشنواره می‌تواند اتفاقات خوبی را رقم بزند.»

سارا رسول‌زاده مجری و بازیگر تلویزیون و تئاتر در گفت‌وگو با آنا در خصوص تفکیک جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان از یکدیگر گفت: «بسیار خوشحالم که بالاخره دو بخش کودک و نوجوان از یکدیگر جدا شده و به صورت کاملاً مجزا از یکدیگر اجرا می‌شود.»

وی افزود: «همیشه از جدا نبودن این دو بخش متعجب بودم و بارها از کارشناس‌های برنامه‌هایی که اجرا می‌کردم، دلیل برگزاری هم‌سطح و یکسان دو بخش کودک و نوجوان را جویا می‌شدم؛ در صورتی که تفاوت‌های چشمگیری بین کودک و نوجوان وجود دارد.»

مجری سابق برنامه نوجوانانه «سپید پرنگ» با طرح سوالی افزود: «کودکی مرحله‌ای از زندگی است که قابل قیاس با دوران نوجوانی نیست پس چطور می‌شود رویکرد یک جشنواره تئاتر و فیلم برای کودکان و نوجوانان یکسان باشد.»

وی خاطرنشان کرد: «رسیدگی به خواسته‌ها و نیازها در هر دو رده کودک و نوجوان مهم و متفاوت است و مهمتر آن که می‌تواند تاثیرات بد و خوبی نیز داشته باشد.»

بازیگر سریال «پرده‌نشین» در پایان افزود: «دوره نوجوانی در زندگی هر فرد بسیار حساس است اما دوره کودکی زمان شکل‌گیری بسیاری از مسائل است و آمادگی برای ورود به دوره حساس نوجوانی است با این حال نمی‌توان گفت که پرداختن به کدام گروه در اولویت قرار می‌گیرد.»

رسول‌زاده علاوه بر اجرای برنامه‌های تلویزیونی و بازی در سریال «پرده‌نشین» چندی پیش در نمایش «چشم در برابر چشم» هر شب در فرهنگسرای نیاوران به ایفای نقش مشغول بود.

تفکیک دو پخش کودک و نوجوان اقدام مهمی در تاریخ جشنواره است

بازیگر سینما و تلویزیون و گفت: به شدت موافق جدا کردن این دو بخش از یکدیگر هستم. فیلم‌های کودک برای نوجوانان جذابیتی ندارد و فیلم نوجوان نیز مناسب رده سنی کودکان نیست.

روشنک گرامی افزود: این دو گروه سنی نه‌تنها هیچ ربطی به یکدیگر ندارند بلکه هر کدام از فیلم‌ها باید مناسب رده سنی خودشان باشد.

گرامی با ذکر مثال‌هایی می‌افزاید: همانطور که کتاب‌های کودک و نوجوان و یا آثار نمایشی دیگر همانند تئاتر در یک پخش نمی‌گنجد، نباید فیلم‌های کودکان و نوجوانان را یکسان در نظر بگیریم.

وی در پایان اظهار داشت: در نظر گرفتن فیلم‌ها برای این دو گروه سنی چه بسا ممکن است در آینده به شکل گیری شخصیت هرکدام از کودکان و نوجوانان لطمه وارد کند بنابراین این تفکیک اقدامی مهم در تاریخ جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود.

فیلم‌های نوجوانان مهمتر از فیلم‌های کودک است

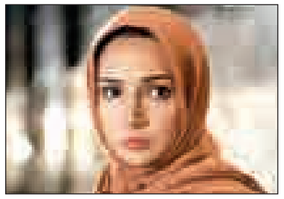

بازیگر سینما و تلویزیون که در بسیاری از ادوار برگزاری جشنواره با فیلم‌های نوجوانان در جشنواره فیلم کودک و نوجوان حضور داشته در خصوص تفاوت فیلم‌های کودک با نوجوان می‌گوید: مسلم است که فیلم‌های کودک با فیلم‌های نوجوان تفاوت عمده دارد، نوجوانی تقریباً از سن ۱۲-۱۳ سالگی آغاز و تا ۱۸ سالگی ادامه دارد و شخص وارد مرحله خاصی از زندگی می‌شود تغییراتی که به علت بلوغ به وجود می‌آید ممکن است به طور کلی شرایط زندگی شخص را تغییر دهد؛ نوجوان از لحاظ اجتماعی، روحی و روانی و جنسی دچار تغییراتی می‌شود که می‌تواند موضوع بسیاری از فیلم‌ها باشد و راه گشای این دوران نوجوانان، گرچه دوران کودکی و نوجوانی فصل مشترک‌هایی هم دارد اما دوران کودکی دوران سرخوشی و بازی و وابستگی است و مسلماً فیلم‌های کودک بر اساس نیازهای کودک متفاوت از فیلم‌های نوجوان است.

شبنم قلی‌خانی، با مقایسه دو بخش کودک و نوجوان گفت: هردو گروه سنی یعنی هم کودک و هم نوجوان بسیار مهم و تأثیرگذار است اما به نظر می‌رسد سنین نوجوانی به دلایلی که اشاره کردم چون شروع یک تغییر بزرگ در زندگی هر شخص است و فرد نوجوان به راحتی می‌تواند با یک اشتباه کوچک یا احساسات لحظه‌ای آینده اش را عوض کند مهمتر از فیلم‌های کودک است. قلی‌خانی که سال‌ها در استرالیا زندگی می‌کند درباره اکران فیلم‌های کودک و نوجوان گفت: در این چند سال اخیر که من به دلیل کار همسرم در خارج از ایران زندگی کردم بارها و بارها در سینما به تماشای فیلم‌های انیمیشنی رفتم که صد درصد مخاطب آن کودک بوده ولی در سالن سینما از کودک ۵-۶ ساله تا مادر بزرگ و پدر بزرگ ۶۰-۷۰ ساله به تماشای آن نشسته بودند، منظورم این است که انیمیشن‌های جدید آنقدر با تکنیک و نو آوری ساخته می‌شوند که هر سنی با اشتاق به دیدن آنها می‌نشیند. در مورد فیلم‌های نوجوانان هم موضوعات متنوعی ساخته می‌شود که معضلات و مشکلات نوجوانان با اجتماع یا خانواده یا محل تحصیل و دوستانشان را به تصویر می‌کشد،آنچه در سینمای ایران جای خالی‌اش حس می‌شود.

بازیگر نقش حضرت مریم در سریال «مریم مقدس» در پایان گفت: اگر تغییر شهر جشنواره باعث استقبال بیشتر از جشنواره بشود خوبست ولی آنچه در دنیا و جشنواره‌های جهانی دیده می‌شود این است که اگر یک جشنواره در یک شهر حتی کوچک و دور افتاده شکل می‌گیرد و ادامه میابد و با همان شهر در ذهن مردم جا می‌افتد و شناخته میشود دیگر تغییری نمی‌کند و همیشه مخاطب، آن جشنواره را با همان شهر به یاد بیاورد. آنچه مهم است کیفیت فیلم‌ها و برگزاری جشنواره است که امیدوارم امسال بهتر از سال‌های گذشته باشد.

طعم شیرین یک میزبانی

نگاه تخصصی هنرمندان به یک رویداد

همدان و جشنواره تأثیرگذار بر یکدیگر

مجید برزگر، کارگردان مطرح کشوری که در چند سال اخیر از عوامل تأثیرگذار برگزاری جشنواره فیلم کودک در اصفهان نیز بوده است در این زمینه به همدان‌پیام گفت: حضور جشنواره در بخش نوجوان که ذیل عنوان کودک و نوجوان است و دارای سابقه‌ای طولانی در ایران است در همدان اتفاق خوبی است. در یک کلام باید بگویم همدان و جشنواره می‌توانند بر هم تأثیر مثبت بگذارند.

همدان با پتانسیلی که در شهر دارد و با استقبالی که جامعه محلی آن در سال‌های گذشته از جشنواره کرده‌اند نشان می‌دهد که می‌تواند میزبانی برجسته برای این رویداد باشد.

این کارگردان ایرانی معتقد است: سابقه برگزاری جشنواره‌های مختلف در همدان نشان داده است از شور و استقبال که در سال‌های پیش در همدان دیده‌ایم میزبانی استان شگفت‌انگیز بود و نکته‌ای که بیشتر تأثیرگذار است این مهم می‌باشد که خود هنرمندان و عوامل و تصمیم‌گیران استان می‌توانند برای میزبانی استاندارد جشنواره خود را محک بزنند.

وی به عنوان مدیر هنری جشنواره در دوره‌های قبل عنوان کرد: در برگزاری باشکوه و نمایش عظمت جشنواره هدف برپایی این جشنواره نیست، بلکه هدف باید استاندارد برگزار کردن آن باشد.

از این جهت که کیفیت فیلم‌ها و مدیریت مخاطب استانداردهایی دارد که باید رعایت شود و من فکر می‌کنم از این حیث در همدان پتانسیل‌هایی هست که همدانی‌ها از پس آن برخواهند آمد. انرژی و پتانسیل جامعه شهری و هنرمندان داخل و خارج از استان می‌توانند دست به دست هم بدهند تا ثابت کنند جشنواره کودک برای همیشه به همدان منتقل خواهد شد و امیدواریم مدیریت شهری و استانی بتوانند پذیرای این مهم باشد.

چه بسا این فعالیت فرهنگی باید دنبال کسب حمایت‌ها بوده و حواشی‌های تأثیرگذار را به دنبال داشته باشد و موجب رقم خوردن کارهای بزرگ‌تر در حوزه فرهنگ باشد. البته در این زمینه معقدم چنین اتفاقی نباید با هیجان شروع شود و با هیجان پایان یابد، بلکه برای میزبانی این رویداد باید با برنامه‌ریزی و انجام در اجرا چون سال‌های گذشته پیش برویم.

باید از جدایی بخش نوجوان جشنواره استقبال کنیم

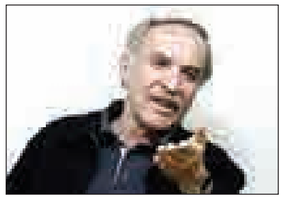

ابراهیم فروزش، از سال ۱۳۴۹ فعالیت سینمایی خود را در مسند «مسئول امور سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» آغاز کرد و همین‌طور تهیه‌کننده اجرایی بسیاری از فیلم‌های کانون بود. در سال ۱۳۵۲ فیلمنامه فیلم کوتاه «سیاه پرنده» را نوشت که آن فیلم را مرتضی ممیز کارگردانی کرد. ضمن اینکه برخی از فیلم‌نامه‌های انیمیشن علی‌اکبر صادقی، عبدا... علیمراد و... را نیز به رشته نگارش درآورد. در فاصله قبل و بعد از انقلاب، فیلم‌های کوتاه و مستند متعددی ساخت. نخستین فیلم سینمایی‌اش، «کلید»، را در سال ۱۳۶۵ کارگردانی کرد. او در کارنامه هنری‌اش بیش از ۵۰ جایزه بین‌المللی دارد. غیر از «کلید»، فیلم‌های «خمره»، «مرد کوچک»، «بچه‌های نفت»، «هامون و دریا»، «زمانی برای دوست‌داشتن»، «سنگ اول» و «شیرتوشیر» حاصل فعالیت‌های دیگر اوست. با ابراهیم فروزش درباره این تفکیک و همچنین وضعیت کنونی سینمای کودک و نوجوان می‌گوید:

تا آنجا که من دیده‌ام، در دیگر نقاط جهان، سینمای کودک از سینمای نوجوان تفکیک شده است. به لحاظ گروه سنی و تقسیم‌بندی حوزه مخاطب، فیلم‌هایی که برای سنین مختلف تهیه می‌شوند، به طور کلی متفاوت هستند. فیلم‌هایی که برای گروه سنی زیر ۱۰ سال ساخته می‌شوند، یک‌سری مسائل را شامل می‌شوند و فیلم‌هایی که برای سنین ۱۰ سال به بالا ساخته می‌شوند، مسائلی دیگر را شامل می‌شوند. مسائلی که در فیلم‌های گروه سنی کودکان مطرح می‌شود باید برای آنها قابل هضم باشد، بیشتر جنبه سرگرمی داشته باشد و با چاشنی آموزش همراه شده باشد اما فیلم‌هایی که برای سنین ۱۰ سال به بالا ساخته می‌شوند مسائلی را مطرح می‌کنند که به هیچ وجه ربطی به مسائلی که در سینمای کودک دستمایه قرار می‌گیرد، ندارد. افراد در سنینی که دوران بلوغ را طی کرده‌اند و وارد عرصه اجتماع شده‌اند، دغدغه‌های دیگری دارند. مسائل آموزشی‌شان متفاوت است و حال‌وهوایشان فرق می‌کند و حالا وقتی می‌شنویم این موضوع از سوی متولیان جشنواره مورد توجه قرار گرفته و این دو بخش جدا شده‌اند، باید از آن استقبال کنیم. در اغلب فستیوال‌های معتبر می‌بینیم که این دو بخش جدا شده‌اند.